



## کارگران جهان متحد شوید

### همزمان با ادامه تظاهرات اعتراضی در اهواز،

### کارگران کارخانه لوله سازی نیز دست به تظاهرات زدند!

در شرایطی که اقدامات اعتراضی مردم زحمتکش اهواز در اعتراض به ستم و استثمار و زور و سرکوب حاکم بر سرنوشت شان همچنان ادامه دارد، دیروز سه شنبه کارگران لوله سازی اهواز نیز در اعتراض به عدم پرداخت حقوق معوقه خویش و اوضاع نا بسامان کارخانه دست به راهپیمایی زدند. در این تظاهرات، بیش از چند صد نفر از کارگران این کارخانه شرکت کرده و مورد پشتیبانی مردم نیز قرار گرفتند. علاوه بر شعار های اقتصادی و صنفی شعارهای سیاسی بر علیه نظام مستبد و سرکوبگر حاکم نیز بزودی به شعارهای اصلی کارگران تبدیل شد. در جریان این تظاهرات که با یورش وسیع نیروهای سرکوبگر رژیم مواجه شد، ده ها نفر از کارگران دستگیر و روانه زندان شدند. علی رغم سرکوبگری های رژیم جمهوری اسلامی کارگران تصمیم دارند، دامنه مبارزات خود را تا رسیدن به خواسته هایشان گسترش دهند.

تلفیق شعارهای سیاسی و اقتصادی از سوی کارگران کارخانه لوله سازی اهواز، بیشک گام مثبتی در راه گسترش و همه گیر کردن مبارزات کارگران و تلفیق آن با مبارزات آزادیخواهانه سایر اقشار زحمتکش مردم محسوب می شود.

وظیفه کارگران پیشرو و رهبران عملی جنبش کارگریست تا با سازمان دادن به اعتراضات کارگری و تلفیق درست درخواست های صنفی و سیاسی کارگران با خواسته های دیگر توده های زحمتکش مردم، قدرت و توان جنبش کارگری را افزایش دهند و توده های مردم را که از فشار زاید الوصف ستم، استثمار، زور و سرکوب بتنگ آمده اند و دست به اعتراض و شورش می زنند، حول محور جنبش کارگری متحد سازند و اعتماد آنها را به نتیجه بخش بودن مبارزه متحد با کارگران، جلب کنند. در چنین صورتی است که کارگران قادر خواهند بود رژیم و سرمایه داران را قدم به قدم عقب رانده و امید به آزادی و رهائی از نظام فلاکت با حاکم را در دل توده های مردم بکارند و آنها را به مبارزه تا پیروزی نهائی امیدوار سازند.

سازمان اتحاد فدائیان کمونیست ۱۱ دی ماه ۱۳۸۱

### جنایت دیگری در کردستان!

طبق اطلاعیه حزب دموکرات کردستان ایران، یکی از اعضای این حزب بنام «حبیب اله تنهائیان» در روز ۲۰ آذر ماه در شهر سنندج دستگیر و بعد از چهار روز جنازه شکنجه شده وی به خوانواده اش تحویل میگردد. در پی احتمال بروز تغییر و تحولات در منطقه، جمهوری اسلامی در هراس از شدت یابی حرکات اعتراضی در کردستان، سیاست سرکوب عریان و ایجاد جو خفقان در کردستان را تشدید کرده است. تنها در یکسال گذشته چندین نفر به جرم هواداری از احزاب سیاسی دستگیر و به جوخه های اعدام سپرده شده اند و اقدامات اعتراضی مردم با یورش بیرحمانه نیروهای انتظامی و امنیتی مواجه شده است.

### پایان قصه قهرمان شکنجه گران

راه اندازی پرونده نظر سنجی و اتهامات جاسوسی و براندازی، علیه بخشی از باند مافیائی دوم خرداد و اظهارات عباس عبدی بیش از همه یک پدیده اجتماعی و تاریخی را مورد توجه بسیاری از مبارزان و کارگران و زحمتکشان قرارداد. پدیده ایکه در طول تاریخ مبارزاتی ملل دنیا جایگاه ویژه ای داشته و هنوز هم در مبارزات انقلابی مردم ایران بصورت پدیده عینی، زنده است و آنچه که پدیده قهرمانی را در دل تمامی کارگران و زحمتکشان جای داده است، چیزی جز مبارزه و مقاومت نیست که تبلور خود را در مبارزات و قهرمانی های مبارزان، انقلابیون و کمونیستها و آزادیخواهان و گاهی نیز در مبارزات توده ای بصورت عمومی نشان دهد. این پدیده بصورت صفتی در ادبیات مبارزاتی مردم در آمده است تا مرز بین راهیان راستین آزادی، برابری، دمکراسی، عدالت اجتماعی را با مدعیان دروغین مشخص شود.

صفحه ۲

\* \* \* \* \*

### زندانیان گرگان به آتش کشیده شدند.

در اثر آتش سوزی در زندان گرگان تعدادی از زندانیان که ۲۰ درصد آنان از جرائم عادی و ۸۰ درصد آنان از محکومان دادگاه های انقلاب و زندانیان سیاسی بودند، در آتش سوختند و تعدادی نیز بشدت آسیب دیدند که حال چند تن از آنان بسیار وخیم گزارش شده است. بنا به گزارش های اولیه مقامات رسمی تعداد کشته شده ها ۳۰ نفر و زخمی ها ۷۰ نفر اعلام گردید. در صورتی که بنا به گزارشات غیر رسمی بیش از ۲۰۰ نفر در این آتش سوزی جان خود را از دست داده و یا مجروح شده اند. جنازه سوخته ها قابل شناسائی نبوده و در خندقی بصورت دسته جمعی دفن شدند.

در صفحه ۴

\* \* \* \* \*

### اعتراضات توده ای در اهواز ادامه دارد

روز شنبه اول دی ماه نیروهای انتظامی همراه با نیروهای ستاد امر به معروف و نهی از منکر خوزستان با استفاده از ۹۲ تیم عملیاتی با رمز ثارالله در ۱۰۰ منطقه شهر اهواز بخصوص در کوی علوی در محله لشگر آباد به مغازه های سی دی و نوارهای موسیقی فروشی یورش بردند و بعد از شکستن شیشه های مغازه ها، کامپیوترها و دستگاههای صوتی و تصویری را همراه فروشندگان با خود بردند.

در صفحه ۴

\* \* \* \* \*

### اعلامیه های کمیته ایالتی سازمان اتحاد فدائیان کمونیست

صفحه ۳

صفحه ۴

اخبار داخلی

**بیان قصه قهرمان شکنجه گران**

عباس عبدی دانشجوی پیرو خط امام و قهرمان حزب الهی دهه اول حکومت رژیم جمهوری اسلامی و یکی از رهبران دانشجویان پیرو خط امام در حمله به سفارت امریکا و منحرف دهنده مبارزات دمکراتیک و ضد امپریالیستی مردم ایران، یکی از کارگزاران و بنیان گزاران وزارت اطلاعات و شکارچی انقلابیون و مردم آزادی خواه ایران، مهندس و روشنفکر معروف به اصلاح طلب، یکی از تئورسین ها و سردمداران باند دوم خرداد و همچنین یکی از "قهرمانان" به اصطلاح مبارزه افشاگرانه علیه سیاستهای سرکوبگرانه و وحشیانه رژیم جمهوری اسلامی، به اتهام جاسوس و برانداز، دستگیر و به زندان برده می شود. باند دوم خردادی سوار بر نارضایتی های توده ای، برای حفظ رژیم و برتری طلبی در درون باندهای مافیائی در پی ندامت های سیامک پورزند و هاشم آغاچری و . . . در انتظار قهرمانی بنام عبدی بود که با اظهارات عباس عبدی تمامی آرزوهای باند دوم خردادی به هوا رفت و او در نامه خود به دادگاه نشان داد که پهلوان پنبه ای بیش نیست و رسالت دفاع از باند دوم خردادی وی به انتها رسیده و حتا قادر نیست، چند روز زندان انفرادی را طاقت بیاورد و موقعیت خود و دوستان و همقطاران خود را با مشکل مواجه نسازد.

عباس عبدی در نامه ۸ دی ماه برای دفاع از خود در مقابل باند قالب، می نویسد: "بنده ابتدا وظیفه خود می دانم که از نحوه بازجوئی ها و افراد مدیریت زندان تشکر و قدردانی کنم و خواهم کوشید که از زاویه دیگر نیز مطالب بازجوئی را تکمیل و راهی را پیش روی دادگاه برای اتخاذ تصمیم باز نمایم، بخصوص اتهامات وارده به شرح زیر نکاتی را را به استحضار دادگاه می رسانم. . . ."

این اظهارات برای مردم بسیار روشن است. از آنجا که عبدی خود زمانی در کمیته مشترک میدان داربود، به ادبیات شکنجه گران کاملاً آگاه است و میداند که زبان شکنجه جز زور و بی رحمی نیست. ادبیاتی که در طول چند دهه عمر جمهوری اسلامی در بازداشتگاه ها و زندان ها عمل می شود، ادبیاتی که شکنجه گران آن، کابل، شلاق، قیانی، کتف و استخوان شکستن، سیاه کردن، انگشت پراندن، ناخن کشیدن، در گونی انداختن همراه با زدن، تهدید شکنجه خانواده و عزیزان دربند و . . . را می شناسند و با شرکت در این جنایات است که می توانند به پست های حکومتی و اداری برسند. ادبیاتی که به نوچه های خود دشمنی و نفرت با آزادی و برابری و دمکراسی و عدالت اجتماعی آموزش می دهد. عباس عبدی با آگاهی کامل لز این ادبیات هیچ ضرورتی نمی بیند در مقابل خواسته های مافیای قدرتمند مقاومت کند و تمامی پل ها را پشت سر خود خراب کند. همچنین او دریافته است که مأموریتش در طرح مسئله اصلاحات به پایان رسیده و باید به خواسته های باند ولایتی تن دهد تا مدتی نیز در سایه رهبر خود آیت اله خامنه ای رکاب زند. با توجه به شکل گیری و گذشته سران جریان دوم خردادی، آینده عبدی نیز روشن است. بطوری که احمدی عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی و از یاران دوم خردادی سابق در باره عبدی و دیگر دوستان این طیف می گوید: "جالب است بدانید بعضی از همین ها کسانی بودند که بعد از پیروزی انقلاب برای تنبیه زن های بی حجاب به دنبال آن ها می افتادند و تعقیب شان می کردند و آنها هم از ترس به مغازه های اطراف خیابان ها پناه می بردند حالا اینها با یک تغییر ۱۸۰ درجه ای برگشتند و به اصطلاح تجدید نظر طلب شدند." بر خلاف برخی از روشنفکران منفعت طلب زندگی بشر

سراسر از قهرمانانی بوده است که به صورت استوره در شعارها، داستان ها و یا زبان به زبان به نسل های دیگر سپرده و هر نسلی از خود قهرمانانی برای نسل بعدی بیادگار گذاشته است. حال که نسل جدید با شدت مبارزه طبقاتی روبروست و برای تداوم مبارزات، قهرمانان خود را به میدان می فرستد.

داستان قهرمانی ها با هم موزون و هماهنگ نیستند و هر کدام بنا به ساختار اجتماعی متفاوت است. در تاریخ شاهان و دیکتاتور ها قهرمانان داستان مدافعان تاج و تخت هستند و استوره آنان خادم شاهان و یا دیکتاتورها هستند که در پایان داستان به مقام و منزلتی با اهدا شاهانه می رسند و در کتاب ها و نوشته های رسمی جای می گیرند. قهرمان داستان فردوسی، حماسه سرای ایرانی نیز در این مقوله جای دارد. وی مجبور می شود برای حفظ زبان و ادبیات فارسی پهلوان گمنامی از سیستان بنام رستم، قهرمان افسانه ای بسازد. قهرمان خیالی این داستان را یکه و تنها به جنگ دیوان می فرستد تا یکه و تنها پهلوانان دیار دیگر را به زانو در آورد و سرزمین های ملتهای دیگر را به املاک شاه اضافه کند. قهرمان خیالی فردوسی به دنبال کشور گشائی شاهانه است و از آنجا که با زندگی توده های مردم بیگانه است نتوانست بصورت استوره مردمی در آید و تبدیل به شعر خوانی و مدیحه سرائی شاهانه گردید.

قهرمانان داستان های واقعی مردم موجودات خارق العاده ای نیستند و منافی جدا از منافع مردم ندارند. جوهر اصلی این داستان ها قهرمانانی هستند که هیچ اجرتی بابت جانفشانی و مبارزات خود دریافت نکردند و کسانی بودند که جان خود را در راه مردم فدا کردند و بعد از شکست نیز تن به ذلت نداده و در مقابل یورشگران ایستادند و به عنوان قهرمان ملی در آمدند. بایک خرم دین یکی از آنان بود نه از آن لحاظ که به علم و فنون زمانه وارد بود بلکه توانست همراه با مردم در مقابل استعمارگران ایستادگی کند و در مقابل بیدادگاه حاکم اسلامی خم به ابرو نیاورد و حتا خون خود را به صورت مالید تا استعمار گران و غارت گران را از دیدن چهره پریده خود بعد از مرگش محروم سازد.

قیام مشروطه زبانه کشید، مردم بر علیه ظلم و جور حاکمان استبداد و برای دمکراسی و آزادی به مبارزه برخاستند و رشادت های فراوانی از خود نشان داده و قهرمانان بی نام و نشان زیادی را بجای گذاشتند. ستارخان نیز به یکی از پیشروان نهضت مشروطه تبدیل و از طرف مردم به قهرمان ملی بدل گردید.

پدیده قهرمانی با آثارشبیست علی رغم عشق به فداکاری تفاوت ماهوی دارد و ماجراجویی تخیلات ایدئالیستی از آنجا که با مبارزات مردم بیگانه است و به یک خود کشی شبیه است. در صورتیکه قهرمان با مردم زندگی میکند و در درد و رنج آن شریک است و با ظلم و جور دست و پنجه نرم می کند و عشق به مردم و آزادی و برابری است که او را با مردم پیوند می دهد و در جریان مبارزه به یک عنصر پیشرو مبدل می شود. ترس از دشمن، آن را مجبور به ترک مبارزه نمی کند و همچنین عنصر آگاه و مبارز به اشکال مختلف به نبرد ادامه می دهد و با وجود زمینه مناسب مردم را برای تحولات اساسی به میدان مبارزه بکشاند.

قهرمانانی نیز هستند که در مقابل شکنجه و اعدام قرار نگرفت ولی با شهامت با دفاع از منافع طبقه کارگر و مردم در نهایت از منافع تمامی اتسان ها به جنگ سرمایه داری رفتند و ماهیت واقعی آنها افشا کردند. از جمله لنین بسا

**بیان قصه قهرمان شکنجه گران**

مبارزات تئوریک و عملی خود بر علیه استثمار و غارت نظام های سرمایه داری، راه مبارزه را به کارگران و سایر زحمتکشان جهان نشان داد و به الگوی میلیون ها کارگر و زحمتکش و انقلابیون جهان در مبارزات ضد استثماری و برابری تبدیل شد.

تأثیر نوشته های صمد بهرنگی و علی شریعتی... را در مبارزات توده ای علیه دیکتاتوری شاه را نمی توان نادیده گرفت. صمد بهرنگی قهرمان و مبارزی بود که با بچه ها زیست و هنوز هم در میان مردم زحمتکش ایران زنده است. همچنین دفاع خسرو گل سرخی شاعر و مبارز انقلابی در بیدادگاه های رژیم دیکتاتوری شاه را نیز در مبارزات مردم در بهمن ۱۳۵۷ را می توان یافت.

بر خلاف روشنفکران سرخورده که الگوی خود را جرج بوش قدرتمند ساخته اند و شب و روز در انتظار ایجاد تغییرات در جامعه و سرنگونی رژیم مافیائی توسط قدرت نظامی امریکا هستند. مردم با تجربه مبارزات علیه دیکتاتوری شاه بدنبال الگوهائی هستند که از درون مبارزات خود جوشیده اند و راه آزادی و برابری و عدالت اجتماعی را به آنان نشان می دهند، نه استثمارگرانی که می خواهند زنجیر بندگی و اسارت را به پا و گردن مردم بزنند. مردم بدون توجه به آمال و آرزوهای منفعت طلبان در مبارزات خود از گل سرخی ها و صمد بهرنگی ها و سعید محسنها و رضائی ها و جزئی ها و احمدزاده ها که رژیم دیکتاتوری شاه آنان را خرابکار و مزدور اجنبی می نامید، و همچنین هزاران مبارز و مجاهد و کمونیستی که در زندان های رژیم جمهوری اسلامی شکنجه های وحشیانه شدند و یا به جوخه های اعدام سپرده شدند و رژیم جمهوری اسلامی آنان را جاسوس و محارب و مرتد و مفسد فی العرض خواند و یا وجود قهرمانان بی نامی که هم دوش مردم به مبارزه بی امان خود با وحشیگری های قرون وسطائی رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی مبارزه می کنند. مردم بدون اینکه یاد قهرمانی های مبارزانی که زندگی و جان خود را در راه آرمان های توده های مردم گذاشتند، فراموش کنند، قهرمانان جدید خود را برای پیشبرد مبارزه از میان خود بوجود خواهند آورد و چنان مقاومتی را بوجود خواهند آورد که هیچ سدی در مقابل آن یارای مقاومت نداشته باشد.

رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی به شکار انقلابیون و روشنفکران مترقی پرداخت و حداکثر تلاش خود را بکار برد تا مقاومت افراد را در هم بشکند و مردم را تنها از این پدیده دور کند بلکه هر نوع مقاومت و انتقادی را در هم بشکند. با علم به این موضوع شکنجه گران جمهوری اسلامی برای به زانو در آوردن زندانیان مرزی برای شکنجه قائل نیستند و دائم به قربانیان ستم و استثمار می گویند، ما نمی خواهیم قهرمان به جامعه تحویل بدهیم، ما آنقدر شکنجه می کنیم تا مقاومت ها را بشکنیم و به تلویزیون بکشانیم و مردم بدانند که هر که ما در افتاد و رافتاد و هوس نکنند با ما به مبارزه برخیزند. این منطق رژیم بوده و هست. با این حال رژیم نتوانست مقاومت را بشکند. شاهد ادعای ما خانواده های شهدای راه آزادی و زندانیان سیاسی است که حتی تعدادی از عزیزان آنان محروم از قبر شدند. کم نبودند مجاهدان و فدائیان و مبارزان کمونیستی که حتی با سنین کمتر از ۱۸ سال در زیر شکنجه های شکنجه گران جمهوری اسلامی مقاومت کردند و روحیه مقاومت را در زندان های رژیم زنده نگه داشتند. با این وجود مبارزه علیه شکنجه و اعدام یکی از مهم ترین شیوه ————— برای حفاظت از تمامی مبارزان بخصوص رشد مبارزات توده های

مردم است.

بگذار مصلحت گران در بوق و کرنا بدمند و پدیده قهرمان را تمام شده بدانند و تغییرات جامعه عقب مانده ایران را از طریق تنها نوشته ها و در کتاب ها و سایت های کامپیوتری جستجو کنند و به امید موقعیتی بدنبال اقدام جامعه بین المللی با رهبری دولت امریکا و با ادوات جنگی پیشرفته، رژیم جمهوری اسلامی را سرنگون کند و عوامل خود را بر سرنوشت مردم حاکم کنند. اما باید بدانند با وجود اختلاف طبقاتی وحشتناک و بحران قدرت های سرکوبگر مردم با رشد مقاومت و مبارزه آگاهانه و متشکل توده ای و با رهبری عنصر آگاه و سازمان یافته و با الگوی قهرمانان خود آزادی و دمکراسی و عدالت اجتماعی را برقرار خواهد کرد.

\* \* \* \* \*

اعلامیه های صادر شده از

**کمیته ایالتی کردستان****سازمان اتحاد فدائیان کمونیست**

با وقوع زلزله در استان های کرمانشاه، لرستان و کردستان خسارات مالی و جانی به مردم زحمتکش و محروم وارد شد و در بخش "دینور" شهرستان کرمانشاه تعدادی از مردم جان خود را از دست دادند. کمیته ایالتی کردستان ضمن اشاره به طبیعی بودن علل زلزله، برای تقلیل خسارت مالی و جلوگیری از تلفات جانی ایمن سازی و استحکام بناها و منازل مسکونی یکی از راههای اصولی مقابله با حوادث زلزله دانسته است و اطلاعیه ای با عنوان: "تسلیم به بازماندگان زلزله استان های کرمانشاه، لرستان و کردستان" در تاریخ ۵ دی ماه صادر کرد. در اعلامیه آمده است: "دست اندکاران غارتگر و بی کفایت جمهوری اسلامی در توجیه دزدی ها و غارت گری های بی حد و حصرشان که به قیمت فقر و مکتد و خانه خرابی توده های میلیونی زحمتکشان میهنمان تمام می شود، از ادای چندش آور و رذیلانه، هیچ دروغ بیشرمانه ای دریغ نکرده و نخواهند ورزید. در همین راستا نیز دست اندرکاران دزد و فاسد رژیم در کرمانشاه از اعلام دقیق آمار کشته شدگان زلزله در این استان که با قدرت ۲-۵ درجه در مقیاس ریشتر بوقوع پیوست، خودداری کرده و آمار متوفیان زلزله را ۴ نفر اعلام نمودند." در ادامه آمده است: "بی گمان آمار تلفات با توجه به وضعیت بحران اقتصادی، فقر و سیاه روزی توده های زحمتکش که در اثر دزدی و غارتگری های مافیای قدرت و ثروت در ایران هر روز توده های بیشتری به سوی زاغه نشینی و زندگی در ویرانه های حاشیه شهرها کشیده می شوند، بمراتب بیشتر از چنین آمارهای اعلام شده ای توسط مزدورانی است که با بیان دروغ های بیشرمانه ای، سعی در کتمان واقعیت ها و توجیه عملکردهای خائنانه دست اندرکاران رژیم دارند." همچنین در این اعلامیه با بازماندگان زلزله اخیر ابراز همدردی شده است. همچنین در ۵ دی ماه اعلامیه ای با عنوان: "از تظاهرات توده های ستمکش و بستوه آمده اهواز حمایت کنیم!" صادر شد. در این اعلامیه ضمن گزارش از حمله نیروهای سرکوبگر رژیم، آمده است: "توده های ستمدیده و بستوه آمده سراسر ایران، رژیم جمهوری اسلامی که اینک غرق در بحران های لاعلاج و فزاینده اقتصادی، اجتماعی و سیاسی است نه مایل و نه قادر به حل و فصل مسائل و معضلات فرهنگی و ملی کشور است. هر روزه و در گوشه و کنار میهنمان شاهد بروز و اوج گیری جنبش ها و حرکات ملیت های تحت ستم هستیم. رژیم را راه گریزی از این مصاف عادلانه توده هائی که برای احقاق ابتدائی ترین حقوق دمکراتیک پایمال شده خود قیام می کنند، نیست."

**زندانیان گرگان به آتش کشیده شدند.**

ادامه از صفحه اول

این زندان نوساز در سال ۱۳۷۸ احداث شده است و در چهار کیلومتر شمال گرگان در جاده آق قلا قرار دارد و بصورت قلعه ای مستحکم ساخته شده است. همزمان با آتش سوزی به محاصره پاسداران در می آید و هیچ خبرنگار و یا آشنایان زندانیان اجازه ورود به داخل زندان را نمی دهند و بنا به گزارشی سرباز نگهبان بند نیز در آتش می سوزد. بنا به اظهارات افراد محلی آتش سوزی زندان عمدی بوده است. هنوز مقامات زندان عکس العملی در این مورد نشان نداده اند ولی بر اساس برخی تناقض گوئی ها و درندگی رژیم این شایعات دور از حقیقت نیز نمی توان فرض کرد. از طرف دیگر گفته می شود از آنجائی که هیات پارلمانی اتحادیه اروپا در آستانه سفر به ایران و مذاکره با سران رژیم و تهیه گزارش از وضعیت حقوق بشر از ایران بوده است. رژیم زندانیان دستگیر شده حرکات اعتراضی اخیر که در صد بالائی از آنها را فعالان سیاسی تشکیل می دادند به زندان گرگان انتقال داده تا از معرض دید گزارشگران پنهان نگه دارد.

مقامات قضائی استان گلستان و مدیر کل زندان های استان هیچگونه گزارشی را اعلام نمی کنند و به نیروهای رژیم نیز دستور داده اند که در مورد آتش سوزی مسائلی را عنوان نکنند و حتی خانواده های زندانیان و آتش نشان ها تهدید به پیگرد قضائی در صورت افشا علل آتش سوزی و مشخصات زندانیان سیاسی می شوند.

محاصره زندان توسط سپاه پاسداران و جلوگیری از خروج زندانیان از بند و همچنین جلوگیری از تهیه گزارش آتش سوزی و اعلام ضد و نقیض مقامات رسمی حکایت از عمدی بودن این آتش سوزی است. بر اساس اطلاعات رسمی علت آتش سوزی، ترکیبگی بخاری نفت سوز داخل سالن زندان اتفاق افتاده است و شامل زندانیان با جرم های سبک بوده که قرار بود با ضمانت آزاد شوند. در اعلام رسمی دیگری عنوان می شود که آتش سوزی بر اثر اتصال سیم های برق صورت گرفته است. در رابطه با آتش سوزی، روزنامه آفتاب یزد روز پنجشنبه ۱۲ دی ماه طبق گزارشی ضمن جدید خواندن زندان گرگان یاد آور شده است که قربانیان آتش سوزی، شامل ۲۰ در صد زندانیان جرائم عادی و ۸۰ در صد آن زندانیان دادگاههای انقلاب و سیاسی بوده اند.

\* \* \* \* \*

**اعتراضات توده ای در اهواز ادامه دارد**

از صفحه اول

نیروهای انتظامی با محاصره محلات مغازه ها را پلمب کرده و با اتوم به مردم و کودکان حاضر در محل حمله بردند. روز بعد هزاران نفر از مردم زحمتکش اهواز که از ستم گری های رژیم جمهوری اسلامی و اعمال ستم مضاعف به تنگ آمده اند از ساعت ۹ صبح در اعتراض به سرکوبگری های روز گذشته نیرو های انتظامی در خیابان های اصلی شهر تجمع کردند و به تظاهرات اعتراضی دست زدند. پلیس ضد شورش به تظاهر کنندگان حمله کرده و تعدادی را زخمی کردند. مردم نیز از خود عکس العمل نشان داده و با سر دادن شعارهایی به زبان عربی و فارسی به گشتی های پلیس حمله بردند و جاده اهواز آبادان را مسدود کردند و این درگیری تا ساعت ۴ بعد از ظهر ادامه داشت. روز دوشنبه تظاهرات پراکنده ای در نقاط مختلف شهر انجام شد و در همین روز تعدادی از خانواده ها و

نزدیکان دستگیر شدگان اخیر در مقابل مرکز نیروهای انتظامی در محله امانیه تحصن کردند و خواستار آزادی دستگیر شدگان شدند. سه شنبه ۳ دی ماه با ادامه تظاهرات پراکنده تحصن در مقابل دفتر نمایندگان مجلس شورای اسلامی ادامه یافت. بنا به اعلام رئیس کل دادگستری استان خوزستان ۴۷ نفر از مغازه داران در شهر اهواز به شلاق و تعطیل محل کسب و لغو پروانه کسب و جرائم نقدی محکوم شدند. وی همچنین می گوید، در شهر اهواز ۱۰۲ مرکز سی دی کلپ و صاحبان آنان توسط نیروی انتظامی دستگیر و بعد از تشکیل پرونده به دادگستری معرفی شدند.

در پی اعتراضات مردم شهر اهواز دامنه اعتراضات به شهرهای شادگان و کوت عبدالله نیز کشیده می شود و به تظاهرات و درگیری با نیروهای انتظامی منجر می شود. یکشنبه ۸ دی ماه در پی تحصن گروه زیادی از مردم برای رهایی حدود ۱۰۰۰ نفر از دستگیر شدگان اعتراضات چند روزه اخیر با هجوم نیروهای سرکوبگر رژیم مواجه می شوند و مردم خشمگین نیز دست به تظاهرات ضد حکومتی زده و به درگیری بین مردم بخصوص دانش آموزان و جوانان این شهر با نیروهای انتظامی می انجامد. مردم خشمگین به طرف نیروهای ضد شورش حمله برده و ماشین های گشت را به آتش می کشند و این درگیری تا نیمه های شب ادامه پیدا می کند.

\* \* \* \* \*

**شلاق برای دودانشجوی آموزش عالی ملایر**

دو دانشجوی آموزش عالی ملایر با شکایت نیروی انتظامی، امام جمعه ملایر، بسیج دانشجویی و تعدادی از خانواده های شهدای جمهوری اسلامی به اتهام انتشار بیابیه توهین آمیز نسبت به روحانیون و اهانت به مقدسات توسط قاضی حجت الاسلام ذبیحی محکوم شدند. عبارتند از:

۱ - حجت اله رحیمی دانشجوی علوم تربیتی به تحمل ۱۸ ماه حبس در زندان ایرانشهر و ۶ ماه حبس در زندان شهرستان تربت جام و ۷۰ ضربه شلاق محکوم شد.

۲ - پرویز ترکاشوند دانشجوی عمران به ۴ ماه حبس و ۴۰ ضربه شلاق محکوم شد.

**نشریات کارکمونیستی ، ریگای که ل ، جهان کمونیستی و آخرین اطلاعاتی های سازمان را از آدرس غرفه سازمان در اینترنت دریافت کنید**

**سازمان اتحاد فدائیان کمونیست**

Kar-Co

Box 10063 S - 400 70

Göteborg / Sweden

**فاکس روابط عمومی**

+(46)317792571

**آدرس پست الکترونیکی سازمان**

webmaster@fedayi.org

**آدرس پست الکترونیکی نشریه**

jahan@fedayi.org

**آدرس غرفه سازمان در اینترنت**

www.fedayi.org

www.fedayi.se